

ده نفر قزلباش

جلد اول

نوشته:

حسین مسرور

انتشارات نوین

۱۳۸۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

مسرور، حسین ۱۳۴۷.

ده نفر قزلباش/نوشته: حسین مسرور.

تهران: نوین، ۱۳۸۹.

ج ۲.

ج ۱: ۵-۶۸-۶۳۲۵-۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۶۹-۲: ج ۲: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۶۹-۲:

دوره: ۸-۷۰-۶۳۲۵-۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۶۹-۲:

فیفا.

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت

منتشر شده است.

داستان‌های فارسی-قرن ۱۴

داستان‌های تاریخی-قرن ۱۴

۱۳۸۹ ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۶۹-۲ PIR

۸۵۳/۶۲

۲۱۳۲۴۹۷

موضوع:

موضوع:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات نوین

■ عنوان: ده نفر قزلباش

■ نویسنده: حسین مسرور

■ توبت چاپ: اول ۱۳۹۰

■ چاپ: دلارنگ

■ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

■ قیمت دوره دو جلدی: ۳۵۰۰۰ تومان

■ شابک جلد اول: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۶۸-۵

■ شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۷۰-۸

■ مرکز پخش: انتشارات پر-خ لبافی‌نژاد بعد از چهارراه کارگر-کوچه جعفرزاده - پلاک ۷

تلفن: ۶۶۵۶۷۳۲۴-۶۶۵۶۹۷۸۶

پرورش روحی و جسمی مریدان خانقاه اردبیل، و تعلیمات عالیّه تصوف، یک خانواده صوفی را توانا ساخت، که با همه مشکلات طاقت فرسا و سختی های کوه پیکر مقاومت کنند و مشتی درویش خرابات نشین و صوفی خرقه پوش، با بزرگترین دولت های جهان، پنجه درانداخته، پیشانی هریک را بر خاک طاعت و بندگی نهند، نقشه ایران بزرگ را که دارای قوانین ثابت و اصول عالیّه ایرانی باشد طرح کرده به موقع اجرا گذارند، شهرها و ولایاتی را که در آتش اختلافات می سوخت، یکنواخت کرده و هر نغمه مخالفتی به گوش می رسید از میان بردارند، با دشمنان داخلی و خارجی جنگیده، همه را به اطاعت از حکومت ملی مجبور سازند و هنوز نیم قرن از قیام شاه حیدر نگذشته بود که ایرانی به هدف خود رسید. صفویه یک ایران متحد، از خود بر جای گذاشتند که با یک ملت همصدا و همکیش اداره می شد، پشت سر پادشاهانی که همه چیز خود را برای ایران می خواستند، و ایران را برای ایرانیان این بود شعار شاهان صفوی.

چون شاهان صفوی با قوه ایمان سلطنت می کردند و پیروان ایشان بنا به اصول صوفیگری و پیر و مریدی، فرمان مرشد کامل (شاه) را اجرا می کردند، نوع حکومت آنان با حکومت های استبدادی و قهر و غلبه بر ایل و عشیره، فرق بسیار داشت. روی همین اصل بود که حکومت عهد صفوی، حکومت ملی و کاملاً آزادی بود که ایرانیان کمتر نظیر آن را دیده بودند.

شهریاران این سلسله به قدری محبوب ایرانیان بودند که گاهگاهی اشخاص به دروغ خود را به صفویه نسبت می دادند و مردم هم فریب خورده دور ایشان جمع می شدند. بلکه اگر دقت کنیم، سرکشی و شورش های مردم ایران در دوران نادری هم از این منبع سرچشمه می گرفت و از این علاقه ناشی می شد، یعنی مردم میل نداشتند یکی دیگر را به جای آن خاندان بر تخت سلطنت ایران مشاهده کنند، گرچه جهانگیر و فاتح باشد.

پادشاهان صفوی به قول امروز دموکرات کامل بودند و با مردم زندگی کرده، با لباس درویشی یا افراد و جماعات آمیزش می نمودند، وضع مردم را زیر نظر

داشتند، در خیال اندوختن مال و ثروت برای خود نبودند و اکثر مخارج خود و حرمخانه را از معمر عایدات مستقل و درآمدهای شخصی خودشان تأمین می‌کردند، و دست به پول مالیات دیوان (دولت) نمی‌زدند.

از طرف دیگر، خزانه‌های پادشاهی و گنجینه‌های سلطنتی ایشان، از کثرت طلا و جواهر چشم جهانیان را خیره می‌ساخت.

به قول «شاردن»^۱ سیاح، آدمی پشت تل جواهرات دیده نمی‌شد و گنج‌خانه اصفهان، در قلعه طبرک، از گوهرهای گرانبها آکنده بود.

دولت صفوی، پس از آن که ایرانی متحد ایجاد و زنگ اختلاف و نفاق را از دفتر حیات ملت ایران پاک کرد، دنیا وارد عهد جدید شد و جهان با اوضاع تازه‌تری روبرو گردید. دولت روسیه بنای بزرگ شدن را گذاشته، به سرحدات ایران نزدیک گردید، دولت ازبک در مرکز آسیا تشکیل شده مدعی مالکیت خراسان شد. دولت عثمانی یک دولت عظیم و یک امپراتوری اسلامی شده، ممالک مسلمان را بنا به عنوان خلافت، ملک مطلق خود می‌پنداشت.

از همه بدتر، دولت‌های اروپائی، با سپاه و ساز و برگ به سواحل آسیا پیاده شده ایران و هند را مطمع نظر و لقمه لذیذ و خوردنی پنداشته در کناره‌های این دو مملکت به عنوان تجارت به اقسام مختلف بنای نفوذ و تخریب را گذاشته بودند. خوشبختانه در این موقع صفویه مالک الرقاب بودند و مملکت ایران مانند یک فرد واحد، دارای دین و مسلک و عقاید منظم و یکسان بود و آبادانی آن در حد کمال سیر می‌کرد، پادشاهی چون شاه عباس کبیر فرمانروای کشور، و سپاه فاتح او در مرزهای ایران نشسته بود. بهترین نوع راه‌سازی که امروز در عالم معمول است، آن روز در ایران منشاء عمل بود و تجارت خارجی و روابط اقتصادی ایران، آغاز حرکت و جنبش کرده بود. بنا بر این جهات، دشمنان عصر جدید نیز در پشت دیوارهای ایران، متوقف مانده، خیال خام خود را از سر به در کردند.

اینها بود جهاتی که دوران صفوی را مطلوب ایرانیان ساخته، پادشاهان آن دودمان، محبوب ملت و آثار جاویدانشان مورد مدح و ثنای آینده‌گان گردید.

پیش نگار

هنگامی شروع به نشر داستان ده نفر قزلباش کردیم، که پس از شهریور ۱۳۲۰ بود، مردم ایران در آثار ناکامی‌های گوناگون و محرومیت‌های بسیار، مأیوس و دشمنان برای نابود کردن آثار معنوی و خاصیت‌های نژادی ما، با تشکیلات اساسی و نوبنیاد، و برنامه‌های تخریبی دامنه‌دار، شروع به کار کرده بودند. ما نیز در برابر این الهام، سر تسلیم فرود آورده تا پایان جلد چهارم، نشر آن را ادامه دادیم و منت خدای را که به منظور نهایی خویش، یعنی مبارزه با بدخواهان و خدمت به این آب و خاک کامیاب گشتیم. زیرا جای بسی تأسف بود که ادبیات جهانی ما، با آن همه آب تاب، از داشتن داستان‌های تاریخی، و این سنخ ادبیات، که در جهان امروز پیشرفت شایانی کرده، محروم و بی‌نصیب باشد.

امیدوار چنانیم، که فرزندان آن نیاکان نامدار، که چهره شاداب و کوشای پدران خود را در این آیین تابناک می‌نگرند، سعی کنند تا از آن گذشتگان عالی‌مقام، بازماندگانی شایسته و جانشینانی پر افتخار باشند.

در خرابات مغان، نور خدا می‌بینم

دشت مغان یکی از نواحی اسرارآمیز و کانون کیش و آیین باستان، و شهر اردبیل و ساحل ارس، تکیه‌گاه ملیت و فرهنگ ایران پیشین بود. به قول شاهنامه، کیخسرو به اردبیل رفت و در آن شهرستان عبادتگاهی ساخته، لباس عبادت پوشید و خود یک سال در آنجا مقیم شد و به خدمت آتشکده کمر بست. در عهد ساسانی نیز آذربایجان به طور کلی سرزمین مقدس، و اردبیل کانون پرستش و توجه مردم بود، بلکه پادشاهان (مانند خسرو پرویز) پیاده، برای زیارت به آن آستان می‌رفتند.

بعد از اسلام، ایرانیان برای تجدید ملیت خود، با تمام قوا به کار و کوشش پرداختند و قیام‌های پی در پی ایرانیان تا ظهور ابو مسلم خراسانی و تشکیل خلافت عباسی، نتیجه آن جنبش و نهضت بود.

همین که بنی عباس آغاز مخالفت با ایرانیان نموده و برای عقب زدن ایرانیان،

دست به دامن ترک‌ها، شدند، ایرانیان در مراکز خود، یعنی در جنگل‌ها و کوه‌های گیلان و آذربایجان و طبرستان، به مخالفت برخاسته، سرداران دیلمی و زیاری که خود را از نژاد ساسانی می‌شمردند، با عنایت به اسلام، آغاز پیشرفت کرده، بر بیشتر اقطار ایران مسلط شدند، اما ظهور سلجوقیان و اتحاد ایشان با بنی عباس، پیشرفت را متوقف ساخته، دولت‌های دیلمی و زیاری نیز از صحنه تاریخ برکنار شدند و ایران بر اثر بروز اختلافات، کانون جنگ‌های داخلی و کشتارهای شهری و محله‌ای شد، تا جایی که شهرها ویران و مردم به جان یکدیگر افتادند.

در همین اوقات بود که اجاق‌زاده (شاه اسماعیل) از مهد ایرانیت باستان و مرکز روحانیت زردشتی قدیم (مغان) و گاهواره تصوف جدید (اردبیل) بیرون آمده، به کمک معتقدان و پیروان بر اریکه فرمانروائی نشست.

این سرزمین مرموز، یعنی وطن زردشت و شیخ صفی، دارای یک حقیقت مخفی و اسرارآمیز بود، که چکیده و خلاصه آن، در پادشاه اول صفوی جلوه‌گری داشت. و کمال علاقه ایشان به یک ایران آزاد، تحت لوای یک دین و کیش ملایم با طبع ایرانی، سبب می‌شود، که نام‌های طهماسب - بهرام - سام - گرشاسب را اختیار می‌کردند و همه شئون ملی ایرانی را با دیده احترام می‌نگریستند.

صفویه

خانقاه اردبیل، همان کانون ایران پرستی بود، ایرانیت اسلامی، یا اسلامیت ایرانی، از اجاق (آتشدان) اردبیل سوز و ساز می‌گرفت. در این کانون ابدی و آتشخانه سرمدی، فلسفه مغان با شعوبی باستان و تشیع دوازده امامی و تصوف عمیق ایرانی، در یکدیگر سرشته شده، ساحل ارسباران را مهد الهام و پرستش ساخته بود.

ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس

بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

شیخ زاهد گیلانی، شیخ شهاب‌الدین اردبیلی، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، این کانون را تابان و فروزان ساخته بودند.

قزلباش

در کتب تاریخ نوشته‌اند که شاه حیدر، پدر شاه اسماعیل صفوی، در خواب دید

که سپاهیان‌ش کلاه سرخ بر سر دارند، چون بیدار شد، فرمان داد کلاه‌هائی از ماهوت سرخ دوازده ترک که نشان شیعه دوازده امامی است برای سپاهیان‌ش ساختند و به قزلباش موسوم گردیدند.

به نظر ما کلمه قزلباش، ترکی شده (زرین کلاه) است، که شعار و امتیاز جد اعلای صفویه، فیروز شاه زرین کلاه بود و زرین کلاه یا زرینه کفش، امتیازات خاندانی بود، که از ریشه پادشاهان ایران بودند و مانند آن در ترکی قول ایاق است، که به معنی زرین کفش می‌باشد. پس همان طور که مقصود از قول ایاق پای سرخ نبوده و کفش طلائی است، قزلباش نیز به معنی زرین کلاه می‌باشد.

کلمه قزلباش در اوایل صفویه، خاص سپاهیان ایشان بود، اما کم کم شامل همه مملکت ایران گردید، چنانکه در پایان عصر صفویه، ایران را مملکت قزلباشیه، و ایرانیان را قزلباش می‌خواندند و در هندوستان مسجد و تکیه ایرانیان را مسجد و تکیه قزلباش‌ها می‌خوانند.

در خاتمه امیدواریم که ملت ایران در این داستان‌های نیاکان خویش، به نظر عبرت‌نگریسته، کردار و رفتار آن‌ها را از نظر دور ندارند و به شیوه آن پدران نامدار، در روزهای خطر، دامن همت استوار ساخته و به استقبال سیل حوادث بشتابند، و برای حفظ بقا و موجودیت خود از گذشتگان فهردمان وطن خویش، الهام گرفته، سر خط کهن خود را که اثبات در برابر حوادث و مبارزه با اهریمنان و بدخواهان است به دست باد حوادث نسپارد.

تهران - امیرآباد - حسین سرور

سختیار